



ازگان مرکزی حزب توده ایران

تک شماره ۱۵ ریال

دوران تاریخی ما و سمت عمده مبارزه

خطر مکنون را بدرستی و بموقع ببینیم و بشکل موثر با آن مبارزه کنیم!

به آن نمی‌توانند و نباید لایقید و بیطرف
بمانند .

هواداران ثوری «سه‌جهان» ساخت
رهبری مائوئیستی چین - صرف نظر از اینکه
این هواداری تاچه اندازه جدی و صادقانه
است - دعوی می‌کنند که گویا «دوایر
قدرت» شوروی و آمریکا عین هم هستند،
متسا یکی امپریالیستی است و دیگری
«سوسیال» امپریالیستی، و رقابت آنها ،
رقابتی است بر سر سیطره‌یابی بر جهان،
و در این میان، چون شوروی یک ابر
بقیه در صفحه ۲

سیستم سرمایه‌داری جهانی (و در مرکز
آن ایالات متحده آمریکا)، لذا مبارزه‌ای
که اکنون بین اتحاد جماهیر شوروی
سوسیالیستی و ایالات متحده آمریکا
می‌گذرد، مبارزه «دوایر قدرت صنعتی»
همانند نیست که خلق‌های کوچکی مانند
ما، هر دو قطب این مبارزه را هم‌تا و هم‌راز
تلقی کنند و نسبت بدان لایق نباشند .
این مبارزه‌ایست که در آن تناقض اساسی
جامعه بشری، تناقض کار و سرمایه ،
تناقض بهره‌کشان و بهره‌دهان، تناقض
عدالت و ظلم منعکس شده و خلق‌ها

فرد از فرد و خلق از خلق، به نظام
سوسیالیستی است، یعنی نظامی که پایه
های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی
این بهره‌کشی را بتدریج می‌زداید و جوامع
انسانی را از جنگ‌ها و تناقضات مختلف
می‌رهاند و برای مبدل شدن به یک جامعه
جهانی متحد و برابر آماده می‌سازد .
مسئله مرکزی دوران، در نتیجه خصیصه
اساسی اش، بناچار عبارت میشود از نبرد
دو سیستم سوسیالیسم و سرمایه‌داری ،
یعنی : بین سیستم سوسیالیستی جهانی
(و در مرکز آن اتحاد جماهیر شوروی)

برای پی بردن به واقعیت رویدادهای
کشور ما، باید دو محور مهم «مشخصات
دوران معاصر تاریخی» و «مشخصات مرحله
کنونی انقلاب ایران» را در نظر گرفت .
هر تحلیلی، هر دیدی، که از فراسوی این
دو محور، به رویدادها بنگرد، واقعیت آنها
را نخواهد فهمید، در سطح خواهد غلطید،
بودنمود، سرشت و پدیدم را مخلوط
خواهد کرد.
خصیصه اساسی دوران کنونی انتقال
تدریجی جامعه بشری از نظام سرمایه -
داری، آخرین نظام مبتنی بر بهره‌کشی

آقای دکتر کریم سنجابی!

با انکار حقیقت نمی‌توان اعتبار سیاسی کسب کرد!

توانسته‌اند، پرچم حزب توده ایران را،
پرچم مبارزه در راه آزادی، استقلال،
رفاه زحمتکشان و پیشرفت جامعه ما را تا
امروز برافراشته نگه دارند. پشوتانه
مبارزه تنها چند نفر از رهبران، ۲۲۰
سال زندان است . این حجت تاریخ است
و نه آقای دکتر سنجابی و نه هیچ‌کس دیگری
نمی‌تواند منکر آن شود.

ایران را، در سخنرانی ۴شنبه بعد از ظهر
خویش، در کلوب جبهه ملی، با وجود خود
رساند و بکلی منکر فعالیت و پیکار
حزب توده ایران در مبارزه علیه
رژیم شاه مخلوع شد و از دبیر اول کمیته
مرکزی حزب ما سؤال کرد ،
«آقای کیا نوری، وقتی انقلاب
آغاز شد، شما کجا بودید ... و برای
انقلاب تا حالا چه کردید؟»

آقای دکتر کریم سنجابی ، رهبر
جبهه ملی ایران ، که یکی از رجال با
سابقه صحنه سیاست ایران است ، اخیراً
در «گفتگوی اختصاصی با خبرنگار سیاسی
روزنامه اطلاعات». کوشید فعالیت جبهه
ملی ایران را که «بزنم گروهی بعد از
کودتای ۲۸ مرداد ، اگر نکویند کاملاً
متوقف شده بود، ولی بدلیل شرایط خاص
سیاسی به سکوت و انزوا و کم‌کاری
کشیده شده است» ، تشریح کند و به
«نسل تازه وارد این ۲۵ سال ، که از
فعالیت‌های گذشته آن بسیار میشود» ،
اطلاعات بدهد .

البته اگر این سؤال را رهبران
گروه‌های چپ رو و چپ نما و یا کسانی
که سن آنها اقتضاء اظهار نظر تاریخی
نمیکند، به پیش میکشند، جای شکفتی
نمی‌یابد . ولی آقای دکتر کریم سنجابی،
که از بدو تاسیس حزب توده ایران در
۳۸ سال قبل، با مبارزات خونین حزب
توده ایران و هجوم ارتجاع و امپریالیسم
علیه آن آشناست، چرا چشم روی حقیقت
می‌بندد؟

این سؤال راجعاً به پیش میکشد
که در تمام دوران رژیم شاه خائن ،
برخلاف رهبران حزب ما ، از مزایای
زندگی در ایران برخوردار بوده ، و در
زمانی که ایشان ، حتی در روزهای آخر
زندگی شاه مخلوع در ایران ، «به حضور
شاهنشاه آریانه‌شهر با رمی یافتند» ، رهبران
حزب ما ، در چند هزار کیلومتری شاه
مخلوع ، از توسطه‌های او و دستگاه
جاسوسی ساواک و سیا در امان نبوده‌اند.

(اطلاعات چهارشنبه ۹ خرداد ۱۳۵۸)
آقای دکتر سنجابی در این گفتگو
از آخرین بازیابی خویش در روزهای آخر
زندگی شاه مخلوع در تبعید، آن هم سخن گفت.
متأسفانه آقای دکتر سنجابی، در این
گفتگو، که هدفش «مطلع کردن نسل بی
اطلاع از مبارزات جبهه ملی ایران» بود،
به اتهام و دشنام علیه حزب توده ایران
نیز دست زد . آقای دکتر سنجابی این
روش نا معقول نفی مبارزات حزب توده

آقای دکتر سنجابی بخوبی میداند
که حزب توده این در زندان رضا شاه و
مختاری پایه گذاری شد و باز بخوبی
میداند که حزب توده ایران تنها هشت
سال امکان فعالیت علنی داشته و در
این ۸ سال هم لحظه‌ای از یورش
ارتجاع و امپریالیسم در امان نبوده‌است.
حزب ما اولین سازمانی بوده است
که بعد از یورش ارتجاع و امپریالیسم،
چه بعد از بهمن ۱۳۲۷ و چه بعد از
کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲،
سکوت مرگبار ساخته ارتجاع و امپریالیسم
را، با انتشار «مردم» و اعلامیه‌های حزب
شکسته و لحظه‌ای از صحنه مبارزات
سیاسی ایران بدور نبوده است. لاقلاً
دشنام‌های مستمر رادیو تلویزیون و چراغ
زیر نظر ساواک در این مدت ۲۶ سال
میتوانست برای آقای دکتر سنجابی کافی
باشد، که چنین منکر حقیقت نکندند.

این سؤال راجعاً به پیش میکشد
که در تمام دوران رژیم شاه خائن ،
برخلاف رهبران حزب ما ، از مزایای
زندگی در ایران برخوردار بوده ، و در
زمانی که ایشان ، حتی در روزهای آخر
زندگی شاه مخلوع در ایران ، «به حضور
شاهنشاه آریانه‌شهر با رمی یافتند» ، رهبران
حزب ما ، در چند هزار کیلومتری شاه
مخلوع ، از توسطه‌های او و دستگاه
جاسوسی ساواک و سیا در امان نبوده‌اند.

این روزها سخن از عملکرد
دادگاه‌های انقلاب فراوان است، و موافق
و مخالف در این باره نظر می‌دهند. موافقان
این دادگاه‌ها را ستون فقرات انقلاب
می‌دانند، که در استواری انقلاب و ادامه
راه آن نقش اساسی ایفا می‌کنند. اینان
عمل دادگاه‌ها را می‌ستایند و از آنان
سرعت عمل بیشتر و قاطعیت بیشتر
می‌خواهند. اما مخالفان، که عمل قاطع
این دادگاه‌ها یا موافق مصالح طبقاتی‌شان
نیست و یا با طبع محافظه کارشان جور در
نمی‌آید، درباره دادگاه‌ها ایراد نکرانی،
می‌کنند، از «تندروی» آنها سخن
می‌گویند و دمامد مسئله عفو عمومی را
پیش می‌کشند. امپریالیسم و ارتجاع نیز
در این میان، برای بیرون کشیدن عوامل
خود از زیر ضربه انقلاب و جلوگیری
از اجرای عدالت انقلابی، خود را در
میان صفوف مخالفان جازده و دادگاه‌های
انقلاب را به اشکال و شیوه‌های گوناگون
تخطئه می‌کنند.

حزب توده ایران در بدترین شرایط
ترور، چه بوسیله رادیو بیسک ایران،
«آزادی» بی‌مردم ایران» و چه بوسیله
انتشارات خویش و چه از راه شرکت در
مبارزات عملی مردم، در صحنه سیاست
ایران حضور داشت و به تبلیغ، ترویج و
تجهیز مردم علیه رژیم خائن شاه و امپریالیسم
پشتیبان آن میپرداخت. جرأت انکار این
حقیقت را تنها کسانی دارند که میخواهند
با تخطئه کردن مبارزات دیگران، سترون
بودن خویش را سرپوش گذارند. اگر
شنیدن حقیقت از ما تلخ است، لاقلاً از
زبان آقای علی‌اصغر حسینی‌جوادی
بشنوید که در نشریه «جنبش» شماره ۵،
قبل از انقلاب، نوشت:

آقای دکتر سنجابی بخوبی میداند
که حزب توده این در زندان رضا شاه و
مختاری پایه گذاری شد و باز بخوبی
میداند که حزب توده ایران تنها هشت
سال امکان فعالیت علنی داشته و در
این ۸ سال هم لحظه‌ای از یورش
ارتجاع و امپریالیسم در امان نبوده‌است.
حزب ما اولین سازمانی بوده است
که بعد از یورش ارتجاع و امپریالیسم،
چه بعد از بهمن ۱۳۲۷ و چه بعد از
کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲،
سکوت مرگبار ساخته ارتجاع و امپریالیسم
را، با انتشار «مردم» و اعلامیه‌های حزب
شکسته و لحظه‌ای از صحنه مبارزات
سیاسی ایران بدور نبوده است. لاقلاً
دشنام‌های مستمر رادیو تلویزیون و چراغ
زیر نظر ساواک در این مدت ۲۶ سال
میتوانست برای آقای دکتر سنجابی کافی
باشد، که چنین منکر حقیقت نکندند.

واقعیت آنست که یک رژیم دست
نشانده امپریالیسم، در شکل نظام استبداد
سلطنتی، مدت ۲۵ سال بر مهن محکومت
کرده و بخاطر حفظ خود و تأمین منافع
امپریالیسم غارتگر، به جنایتها و خیانتهای

رویدادهای ایران
* پرفسور مکر: ایران غیر
متعهد خواستار همزیستی
مسالمت آمیز و روابط دوستانه
باهمه دول است
* از مداخله در امور دولت،
چه کسی و چرا ناراضی است
* زحمتکشان نمیتوانند قسط
وامها را بپردازند
* کاخ‌های خاندان پهلوی
باید برای خدمت به مردم مورد
استفاده قرار گیرد
* خائن به خلق با هشیاری
پاسداران دستگیر شد
* عکس شاه مخلوع روی
شیشه بانکها

دعوت عام

حزب توده ایران

از همه رفقای حزبی، همه هواداران حزب و همه افراد
متوقی و ضد امپریالیست برای شرکت در راهپیمایی
بمناسبت سالگرد «پانزدهم خرداد ۱۳۴۲»

حزب توده ایران، از همه رفقای حزبی، همه هواداران حزب، همه
افراد متوقی و ضد امپریالیست دعوت میکند در مراسم راهپیمایی بزرگی
که بیاد روز تاریخی پانزدهم خرداد انجام میگیرد، همراه دیگر گروه‌های
سیاسی شرکت جویند.

ارزیابی ما در مورد جنبش ضد استعماری و ضد استبدادی و خلقی
۱۵ خرداد ۱۳۴۲، از همان روز وقوع حادثه، بشهادت اسناد و مدارک
متعدد روشن است. دشمنان و مخالفان حزب ما میکوشند به حزب ما
افترا بزنند و چنین جلوه دهند که گویا حزب توده ایران جنبش ضد
استبدادی و ضد استعماری پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ را، که تحت رهبری
امام خمینی صورت گرفته، در موقع خود تخطئه کرده و آنرا یک حادثه
«ارتجاعی» دانسته است!

روزنامه «مردم» ازگان مرکزی حزب، در ضمیمه خاص مورخ
شنبه ۱۳ خرداد ماه ۱۳۵۸ تحت عنوان «حزب توده ایران و جنبش ۱۵
خرداد ۱۳۴۲» اسناد سخن میگویند، فتوکی مقالات متعدد منتشر
در روزنامه «مردم»، مورخ اول تیر ماه ۱۳۴۲، پانزده خرداد ۱۳۴۳، پانزده
آذرماه ۱۳۴۳ و مجلات دنیا مورخ بهار ۱۳۴۳ و بهار ۱۳۴۴ را، در دفاع از جنبش
پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ و در پشتیبانی از امام خمینی تکثیر کرده است.
اینها اسناد کوبنده است که افتراگویان را بشما به عنصر مغرض و بی
مسئولیتی که از هیچ دروغ بزرگ پروا ندارند، برملا میکند. ما از خوانندگان
گرامی مصرأ خواستاریم که این ضمیمه را، که در مقیاس وسیع پخش
شده است، بدست آورند و بخوانند و به گوشه‌ای از بهانه‌های گستاخانه
دشمنان و مخالفان حزب ما پی ببرند.

از آنجا که ضد انقلاب در پرده و بی‌پرده میکوشد تا در مقابل رهبری قاطع
امام خمینی صف‌بندی کند و این رهبری را تضعیف و منفرد نماید، و
از آنجا که به عقیده راسخ حزب ما، تقویت این رهبری ضد امپریالیستی
و خلقی، در شرایط کنونی، ضرورتی است انکار ناپذیر، لذا حزب ما
تصمیم گرفته است که بجای دست زدن به راهپیمایی جداگانه، با شرکت
در راهپیمایی دعوت شده از جانب گروه‌های اسلامی، همبستگی خود را با
پیروان مشی انقلابی امام خمینی متجلی سازد.

بقیه در صفحه ۵

توطئه امپریالیسم به نام «دفاع از حقوق خلقهای ایران»

باید افشاء و سرکوب شود

امپریالیستی و دمکراتیک استفاده میکرد
(برای مثال میتوان از سرکوب تظاهرات
کارگران نفت در تیر ماه ۱۳۲۵ توسط
عشایر عرب و در مورد دیگر توسط عشایر
فارس و غیره نام برد) . در حال حاضر بعلت
تغییر ترکیب طبقاتی در جامعه ایران،
اسکان نسی عشایر و گسترش فرهنگ در
میان آنها از سوئی و اعلام همبستگی
عشایر با امام خمینی از سوی دیگر، حربه
دیگری پیدا کرده است، «مساله خلق‌های
بقیه در صفحه ۶

زمزمه‌هایی که از چندین پیش درباره
فعالیت پنهانی ضد انقلاب در خوزستان
شنیده میشد، سرانجام زیر عنوان «مساله
خلق عرب» واقعیت خود را نشان داد .
خرمشهر به دست عمال امپریالیسم و ارتجاع
به میدان جنگی مبدل شد ، که طی آن
دهها نفر از مردم وطن‌ما شهید و مجروح
شدند .

امپریالیسم که از انقلاب مشروطیت
تا کودتای ۲۸ مرداد ، به شیوه‌های
گوناگون از عشایر برای سرکوب جنبش ضد

باشرکت وسیع در مراسم یادبود ۱۵ خرداد، از انقلاب ایران دفاع کنیم و اراده خلق را
بر ضد امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، متجلی سازیم

«مردم» و شما

رویدادهای ایران

پرفسور مکرری: ایران غیرمتعهد خواستار همزیستی مسالمت آمیزی و روابط دوستانه با همه دول است

سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد شوروی، برای آشنائی با این کشور و توضیح اهداف و مواضع انقلاب دولت ایران، وارد جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان شد. وی در باکو بارهبران این جمهوری و همچنین با ایرانیان مقیم این منطقه آشنا شد و به گفتگو نشست. وی گفت که دولت جدید ایران غیر متعهد و ناوابسته به شرق و غرب بوده و خواستار آنست که با تمام دول و ملل جهان بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز روابط دوستانه داشته باشد. وی یادآوری کرد که «برخی از عوامل امپریالیسم در ایران نغمه تجزیه طلبی ساز کرده و با تظاهر به چپ نمائی قصد اخلاف در روابط ایران و شوروی را دارند و انتظار اینست که رهبران شوروی با آگاهی کامل اینگونه فعالیت را مورد توجه قرار دهند».

آقای مکرری بدستی منشاء اینگونه توطئه را در وجود امپریالیسم و عوامل آن دیده و به درستی تظاهر به چپ نمائی را فاش ساخته و آنچه را که زیر نقاب پنهان اند، خاطر نشان نموده است.

افکار عمومی اتحاد شوروی، همانطور که از نوشته های مطبوعات آن کشور برمی آید، خود پرورشی برای این دسیسه های امپریالیستی آگاهند و همین اخیراً بود که رسانه های گروهی آن کشور نغمه های تجزیه طلبی را به سر نام و لباسی که عرضه شود، بمشابه یک توطئه و حرکت خطرناک امپریالیسم ضد انقلاب فاش کردند، که در شماره های قبلی «مردم» نیز منعکس شده است.

بنا به خبری که مقامات سفارت ایران در مسکو پخش کرده اند، رهبران آذربایجان شوروی نیز در دیدار با آقای مکرری با ستایش از رهبری قاطعانه انقلاب ایران به وسیله امام خمینی، اظهار داشته اند که به علاقه کامل مراحل مختلف انقلاب ایران را دنبال می کنند و اطمینان می دهند که هیچ گونه مداخله ای از طرف شوروی در امور داخلی ایران بعمل نمی آید. به علاوه مقامات علمی و فرهنگی آذربایجان شوروی ضمن ملاقات با سفیر جمهوری اسلامی ایران، بگسترش روابط فرهنگی با ایران و توسعه میادلات علمی با ایران ابراز علاقه فراوان کردند.

روزنامه ها خبر می دهند که ایرانیان مقیم با کونیز با تشکیل تظاهرات وسیعی از جمهوری اسلامی ایران حمایت نموده، تجزیه طلبی و تروریسم و دخالت امپریالیسم و صهیونیسم را در امور داخلی ایران محکوم کردند. در این تظاهرات تصاویری از شاه مخلوع، که سیاست و حکومت استبدادش خود موجب مهاجرت عده کثیری از ایرانیان شده بود، با آتش کشیده شد.

از مداخله در او، دولت، چه کسی و چرا ناراضی است؟

آقای متین دفتری در روزهای گذشته، نامه ای خطاب به امام خمینی نوشته و در آن به نقاط ضعف و اشتباهات رویدادهای اشاره کرده است که از هر نظر قابل بررسی و وپاسخ است. این بررسی و پاسخ به زمانی بهتر و بیشتر نیاز دارد، اما در نگاه، حتی گذرا، مسائلی در این نامه عنوان شده است که در حدی مختصر اشاره به آن در این لحظات سر نوشت ساز مملکت حیاتی است.

آقای متین دفتری در این نامه، با اشاره به گفته های گذشته امام خمینی و اینکه ایشان گفته اند روحانیت در سیاست مداخله نخواهند کرد، اشاره به چند نوع مداخله ایشان در قدرت دولت کرده اند که جوهر اصلی همه آنها اینست که چنانچه گذراند دولت راسا کار کند و چرا تمام قدرت در دست دولت متمرکز نمی شود. آقای متین دفتری اشاره به قطع رابطه ایران با مصر کرده اند. البته با تاکید بر اینکه

هنوز پیش از چند شماره ای از «مردم» انتشار نیافته که مردمی که آن را متعلق به خود می دانند، به آدرس ما نامه های متعددی می فرستند، نظریات اصلاحی، انتقادی و پیشنهادهای خود را می نویسند پرسش هایی را مطرح می کنند و ۳۰ مقاله و اشعاری ارسال می دارند.

«مردم» مال شماست و بدینی است که پس از این نخستین شماره های دوره جدیدش، ستون های نوین متعلق به خوانندگان را باز کند، از این پس در ستون «مردم» شما، ما نوشته ها و نظریات شما را منعکس می کنیم و در ستون «پرسش ها و پاسخ ها» به سوالات شما به طور خلاصه پاسخ می دهیم.

درخواست ما اینست که: مقالات و نظریات خود را تا حد امکان کوتاه بنویسید. نوشته ها بر روی یک طرف کاغذ باشد. اگر میل ندارید نام شما در روزنامه قید شود حتماً را نامه متذکر شوید.

اخباری را که می فرستید، جدا از مطالب و نظریات بنویسید، زیرا در ستون های جداگانه منعکس خواهد شد.

به جهت تحریر به اجازه دهید که حق کوتاه کردن مطالب وارده و یا انتخاب اشعار واصله و غیره را داشته باشد.

علاوه بر ارسال نامه به وسیله پست اگر میل دارید می توانید مستقیماً نامه های خود را به دفتر روزنامه در تهران، خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ در صندوق ویژه کنسار در ورودی بیا نذائید.

دوران تاریخی...

بقیه از صفحه ۱

قدرت «سوسیال» است، یعنی باوژه سوسیالیسم بازی می کند، لذا از این قدرت سرمایه داری خطرناک تر است! علاوه بر آن شوروی دولتی است جوان و مهاجم و برعکس آمریکا دولتی پیر و در حال دفاع است، لذا خطر شوروی نسبت به رقیب ده چندان می شود!

ملاحظه کنید چگونه باجم و خم الفاظ، تمام مسیر تاریخ انسانی، که به انقلاب کبیر اکتبر و پیدایش نخستین کشور سوسیالیستی جهان و سپس به پیروزی این نخستین کشور سوسیالیستی در تبریز خونبار علیه دودفاشیسم گردید و پیدایش جامعه کشورهای سوسیالیستی (واژ آنجمله رهائی خودچین از چنگ امپریالیسم) منجر شد، بیرحمانه مورد مغلطه سراپا زبان بخش قرار میگردد و با امپریالیسم بربر صفت آمریکا، جبه «فرتوتی» و «دفاعی» پوشانده میشود و کینه ها علیه اتحاد شوروی، که اهرم محرک روند انقلابی جهانی و مورد بغض بی پایان سرمایه داری جهانی است، تحریک میگردد. ما تردیدی نداریم که زمانی، انقلابیون چین این مغلطه نرفت. انگیز و ضد بشری را با خشم تمام دفن خواهند کرد و ماهیت عمیق توطئه گرانه آنرا بر ملا خواهند ساخت.

نه تئوری «دو ابر قدرت» و نه تئوری سه جهان (که دومی شکل افراطی اولی است) هیچ کدام منعکس کننده واقعیت تاریخی زمان ما نیستند. کوچکترین وجه مشبیه بین آمریکا (که در دست انحصارهای بزرگ سرمایه داری است و سیاست چنگ، تسلیحات، نواستعمار و فاشیسم را در دنیا دنبال می کند) و اتحاد شوروی (که در آن همه ثروت متعلق به خلق است و سیاست صلح، خلق، سلاح، پشتیبانی از جنبش های انقلابی و رهائی بخش و دفاع از دموکراسی و حاکمیت توده ها را دنبال می کند) وجود ندارد، نه فقط کوچکترین وجه مشبیه وجود ندارد، بلکه چنانکه همگی به رای العین می بینیم این دو کشور در مقابل هم ایستاده اند و دو قطب متناقض جهان ما هستند.

تناقض بر سر آن نیست که گویا اتحاد شوروی، دچار این پندار جنون آمیز و احمقانه است که میتواند آمریکا را «بزند» و خودش بجای او «آقای» جهان شود. حکومت شوروی عاقل تر، مجرب تر،

مفید بوده است - و همچنین دخالت های دیگر ایشان در امور مربوط به سیاست خارجی دولت ایران و برخی از امور داخلی. همانطور که اشاره شد، بررسی این نامه را به زمانی دیگر موکول می کنیم، اما در اینجا فقط یادآور می شویم، دولتی که ایشان خواهان عدم مداخله در امور مربوط به آنست، تاکنون در باره صدها قران داد اسارت بار بین ایران و آمریکا مهر سکوت بر لب گذاشته است. در رابطه با دخالت مستقیم سنای آمریکا در امور داخلی ایران، تا زمانی که امام خمینی راسا با سخنرانی تاریخی خود، این مداخله را محکوم نکرده بود، سکوت اختیار کرده بود. همین دولت در باره قطع رابطه ایران با مصر، تا قبل از مداخله مستقیم امام خمینی، با سکوت از کنار قرارداد تنگین سادات - بکین گذشته بود.

زحمتکشان نمیتوانند قسط و امهارا بپردازند

پیرزن آمده بود به بانک زهتی تا قسط وامی را که برای خرید خانه گرفته بود، بپردازد. ظاهراً قسطهایش عقب افتاده بود. خودش میگفت: «شوهرم بیکار است. خودم مدتی است دستم درد میکند و نمیتوانم کار کنم. بهمین دلیل قسطها عقب افتاده بود» پیرزن در برابر اعتراض یکی از کارمندان بانک، که درباره عقب افتادن قسط و جریمه ای که به آن تعلق میگردد، داد سخن داده بود، صدایش را بلند کرد و گفت: «امام هم گفته بود ندهیم». کارمند بانک این گفته پیرزن را تکذیب کرد. پیرزن که دیگر تحملش تمام شده بود، فریاد کشید، «ما انقلاب کردیم که از شر همین حرفها خلاص شویم. انقلاب کردیم که زیر بار قسط کمر خم نکنیم. انقلاب کردیم که بهره وام ندهیم. اگر قرار باشد که باز هم چپاول و غارت ادامه پیدا کند که خون جوانان ایمان پایمال شده است. اصلاً دیگر قسط نمیدهیم، هر کاری از دستتان برمی آید بکنید. هم خودم بیکارم و هم شوهرم. هر دو مان ۳۴ سالست کار میکنیم، حالا نباید یک سرپناه داشته باشیم و آخر عمری بدون قسط عقب افتادن قسط شها سر راحت بزیم بگذاریم؟»

فریادهای پیرزن همه مشتریهای بانک را بدور او جمع کرده بود و همه به تائید پیرزن صدایشان را بلند کرده بودند و علیه غارتگری بانکها حرف می زدند که یکی از کارمندان بانک از طبقه دوم بزیز آمد و با مهربانی دست پیرزن را گرفت و با خود برد تا به کارش رسیدگی کند.

کاخ های خاندان پهلوی باید برای خدمت مردم مورد استفاده قرار گیرد

از چند شهر کوچک و بزرگ ایران گزارش رسیده است که مردم تقاضا دارند برخی یادگانها که خالی است و یا قصرها و خانه های خاندان شاه مخلوع در اختیار مردم گذاشته شود تا تبدیل به پارک، دانشگاه، کتابخانه، کلوب و... شود. از جمله این شهرها، خرم آباد و نوشهر است. بنظر ما، شوراهای محلی شهرها باید این پیشنهادهای به حق مردم را بررسی کنند.

خان به خلق با هشجاری پاسداران دستگیر شد

داود شیرزاد، که در سال ۱۳۳۸، با خیانت خود موجب دستگیری بیش از صد نفر از مین پرستان و مبارزان شده بود - که از میان آنها ۵ نفر شهید شدند - روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ توسط پاسداران کمیته ۸ انقلاب، شناسائی و دستگیر شد و به زندان تحویل گردید.

کس شاه مخلوع روی شیشه بانکها

روز ۱۱ اردیبهشت ۵۸ دیده شده است که عده ای عکس شاه مخلوع را روی شیشه های بانکها در پارک شهر، گمرک و چهار راه عباسی میچسباندند و به هواداری از شاه خاخی شعار میدادند. با تیراندازی پاسداران انقلاب این عده متفرق شده اند. بدینسان این واقعه تأیید میشود که ضد انقلاب روز بروز گستاخ تن میگردد.

روزی داد و این شرایط حرکت ظفر نموش را تسهیل کرد و تسهیل می کند.

از تشخیص درست دوران تاریخی ما و خصایص آن، وضع کشور و وظایف ما در شرایط کنونی بهتر درک میشود. اگر درست است که دوران ما دوران نبرد و سیستم، سیستم امپریالیستی و سیستم سونیالیستی، است، اگر درست است که امپریالیسم آمریکا در مرکز همه قدرتهای ارتجاعی جهان است، در آن صورت این روشن است که انقلاب ما نیز دشمنی بزرگتر از امپریالیسم آمریکا و دستاویز صافتر از کشورهای سونیالیستی و جنبش های انقلابی و رهائی بخش ضد امپریالیستی جهان ندارد.

این تحلیل ما را به تشخیص وظیفه عمده که در اسناد حزب ما تصریح شده است، میرساند: وظیفه عمده مبارزه علیه امپریالیسم و ویژه امپریالیسم آمریکاست. این یک سخن انتزاعی و کتابی نیست. وظیفه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکابدان جهت برای ما عمده است که:

- ۱) این امپریالیسم زاینده رژیم استبداد سلطنتی و نگهبان رنده اش بود؛
- ۲) این امپریالیسم مهمترین غارتگر ثروت های طبیعی و بازار ایران بود؛
- ۳) این امپریالیسم مهمترین ترمز رشد سالم و سریع جامعه و کشور ما بود؛
- ۴) این امپریالیسم کماکان بزرگترین تالاشهای توطئه آمیز را برای بازگرداندن ایران زیر سیطره خود بکار می بندد و بزرگترین خطر برای انقلاب ایران و پیروزی قطعی و نهائی آنست.

بسیار مهم است که انقلابیون تشخیص دهند که این «بزرگترین تالاشها» به چه

دست نخواهند داشت و واقعیات عظیم و مسلم و عیان، ظریفترین سفسطه ها و افتراآت را درهم خورد خواهد کرد.

بازگردیم بر سر مطلب. سخن در اطراف خصیصه اساسی دوران تاریخی کنونی بود. گفتیم که خصیصه اساسی دوران کنونی، انتقال تدریجی جامعه بشری از نظام سرمایه داری به نظام سونیالیستی است و مسئله مرکزی در این دوران، نبرد بی امانی است که ما بین دو سیستم سونیالیسم (رودر مرکز آن اتحاد شوروی) و سرمایه داری (رودر مرکز آن آمریکا) در گرفته است. یکی از ویژگیهای زمانی که ما اکنون طی می کنیم، بویژه از آغاز سالهای هفتاد سده بیستم میلادی، عبارت است از تغییر تناسب نیروها، بزبان امپریالیسم و پسود سونیالیسم، اگر طی ۲۵ سال پس از جنگ جهانی، این تناسب بطور عمده پسود امپریالیسم جهانی بود و امپریالیسم با بهره جویی از این تناسب، اراده اسارت گرانه و غارتگرانه خود را در عرصه مهمی از «جهان سوم» تحمیل میکرد، اینک این وضع دگرگون شده است. کسی که این واقعیت را فهمیده، چیزی از آنچه که در دنیا می گذرد، چیزی از آنچه که در کشور ما زوی داده، نفهمیده است. انقلاب ایران، با همه اصالت خلقی و ابهت حماسی آن، در صورتیکه تناسب نیروها طوری دگرگون نشده بود که جلوی صدور علنی ضد انقلاب را بگیرد، هم برای پیروزی خود در زمینه طرد رژیم استبداد پلیسی نظامی شاه مخلوع، هم برای حفظ خود، با سد های عبور ناپذیری روبرو می گردند.

انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ما در شرایط مساعد بین المللی

دست نخواهند داشت و واقعیات عظیم و مسلم و عیان، ظریفترین سفسطه ها و افتراآت را درهم خورد خواهد کرد.

رویدادهای جهان

● سلاحهای امریکایی، مرگ ویی خانمانی می آفریند

خبر نگاران مستقر در اردوگاههای فلسطینی و محلات مسکونی صور کردند که توپخانه اسرائیل و شبه نظامیان مسیحی راستگرای «لبنانی» اردوگاههای فلسطینیها و محلات مسکونی صور را بمباران کردند. این برای چهارمین روز متوالی است که این شهر آماج بمب و آتش قرار میگیرد و مهاجرت جمعی از آن در مدتی اندک به شصت هزار نفر بالغ شده است. خبر نگاران گزارش دادند که توپخانه اسرائیلیها و مسیحیان راستگرای لبنانی حتی نقاط واقع در بخش غربی جنوب لبنان را، که زیر نظارت نیروهای هلندی سازمان ملل متحد است زیر آتش گرفتند.

از طرف دیگر به گزارش خبر نگاران در دونا ناحیه از بخش مرکزی جنوب لبنان، بر اثر تیراندازیهای توپخانه اسرائیلیها و مسیحیان راستگرای، پنج نفر قتل رسیدند و در این بخش و ناحیه غربی سیزده نفر زخمی شدند.

منابع فلسطینی در بیروت نیز اعلام کردند که توپخانه اسرائیل در راستگرایان مسیحی لبنان، یک اردوگاه آوارگان فلسطینی و شش روستای مرزی لبنان را گلوله باران کردند.

یاسر عرفات در پیام تلگرافی فوری که برای پادشاهان و رؤسای جمهوری عرب فرستاد، از آنان خواست که مردم فلسطین و لبنان را در برابر تجاوزات گستاخانه ویی شرمانه اسرائیل مورد حمایت بیشتری قرار دهند.

عرفات در این پیام تأکید ورزید که اسرائیل در حملات چند روز اخیر، از آخرین سلاحهای امریکایی برای سوزاندن و ویران کردن شهرها و روستاهای لبنان استفاده کرده، تلفات سنگینی به فلسطینیها و لبنانیها وارد آورده است.

فؤاد بطرس، وزیر امور خارجه لبنان، شورای امنیت سازمان ملل متحد را، برای بررسی اوضاع جنوب لبنان، به تشکیل جلسه فراخواند. وی تأکید ورزید که کشتارها و ویرانگریهای متوالی اسرائیل در این ناحیه، تشکیل اجلاس شورای امنیت را ایجاب می کند.

لئونارد ماتیاس «رئیس کمیسیون تحقیق سازمان ملل در باره سرزمینهای تحت اشغال اسرائیل»، در دمشق اعلام کرده «با آنکه اسرائیل به ما اجازه ورود به این سرزمینها را نداد، مادر نواحی مجاور این سرزمینها از منابع رسمی، از گواهان عینی و از شخصیتها اطلاعاتی کسب کردیم».

بگزارش خبرگزاری تاس، یک مقام وزارت امور خارجه سوریه، در نخستین اجلاس کمیسیون تحقیق، اقدامات غیرقانونی اسرائیل را در ارتفاعات جولان افشاء کرد. وی اعلام داشت که مقامات صهیونیست اسرائیل عده بشماره از سکنه محلی این ارتفاعات را به ترک خانههای خود مجبور کرده اند، یا پس از تخریب خانههای ایشان، آبادیهای یهودی نشین در آنجا ساخته اند.

● یک مرکز دیگر توطئه تجاوز در خاورمیانه

خبرگزاری تاس اعلام کرد که سلطان قابوس ابن سعید، پادشاه عمان، بر اساس دستور از آن سوی اقیانوس اطلس، به اشاعه دروغهایی کهنه می پردازد و از جمله اعلام می کند که، شبه جزیره عربستان مطمح نظر اتحاد شوروی است.

لکن تاس ضمن افشاء هویت قابوس، که تنها پشتیبانی سادات خائن در جهان عرب است، تصریح کرد که وی بر سر نپذهای انگلیسی متکی است.

تاس همچنین با استناد به مصاحبه یکی از رهبران جنبه خلق برای آزادی عمان باخبرگزاری فرانسه اعلام کرد که هم اکنون حدود هفت هزار سرباز مصری در عمان مستقر هستند.

از طرف دیگر خبرگزاری فرانسه یک توطئه امپریالیستی را، که در عمان و به مناسبتی سلطان قابوس، علیه خاورمیانه و ویران خلیج فارس طرح ریزی می شود، افشاء کرد. بگزارش این خبرگزاری، روزنامه الرأی العام، چاپ کویت، با استناد به مصاحبه سلطان قابوس با نشریه امریکایی «تایم»، که امریکارا به «حمایت» از خلیج فارس در برابر اصطلاح «مداخله» شوروی، فرساخته است، نوشت که اگر امریکارا خلیج مداخله کند برای حفظ تسلط نفارتگرانه خود بر چاههای نفت خواهد بود، نه پشتیبانی از این یا آن دولت، که امریکا در این رهگذر بارها ناتوانی خود را به ثبوت رسانده است.

● هند هم از توطئه های اسرائیل بی نصیب نمانده است

خبرگزاری تاس، با استناد به نوشته روزنامه «دیپاتریوت»، چاپ دهلی نو، گزارش داد که عمال سرویسهای جاسوسی اسرائیل زیر نقاب «جهانگردی» در هند نفوذ کرده اند و دست اندکار توطئه چینی در این کشور هستند.

دیپاتریوت نوشته است که جاسوسان اسرائیلی با عوامل سیاسی غرب و جنایتکاران تماس برقرار کرده اند و نخستین هدف آنها تحریک احساسات مردم هند به سود اسرائیل است. جاسوسان اسرائیلی امیدوارند که بتوانند رهبران هند را به ترک حمایت از مبارزه مردم فلسطین متقاعد سازند.

● پشتیبانی از مبارزه مردم نیکاراگوئه ابعادی جدید می یابد

خبرگزاری تاس اعلام کرد که جریکهای وطن پرست نیکاراگوئه در چند روز اخیر به مبارزه خود با رژیم خودکامه سوموزا گسترش بیشتر بخشیدند و چند ناوگان گارد به اصطلاح «ملی» نیکاراگوئه را، که مخلوق امپریالیستهای امریکایی است، در شهرهای مختلف مورد حمله قرار دادند. گزارشهای رسیده به کوبا حاکی از آن است که جنبه ملی آزادیبخش نیکاراگوئه در نواحی شهری و روستایی به تعرض گسترده ای دست زده اند. اخیراً یکی از رهبران جریکها در مصاحبه ای با لحنی مطهش گفت، «پیروزی نهایی وطن پرستان نزدیک است.» وی سپس تأکید ورزید، «اگر مقامات مر تیبج امریکایی مرکزی برای جنگ با مردم وطن پرست نیکاراگوئه از تنش اعزام کنند، سرانجام این ارتش را نیز شکست خواهیم داد».

خبرگزاری فرانسه در تفسیر هفتگی خود اعلام کرد که رؤسای پنج کشور عضو پیمان آند، یعنی بولیوی، کلمبیا، اکوادور، پرو و ونزوئلا که در کارتاژن (کلمبیا) گرد آمده بودند، رژیم سوموزارا، که صلح را در قاره امریکا تهدید می کند، بشدت محکوم کردند. از طرف دیگر، دو کشور مکزیک و کوستاریکا نیز خواستار اتخاذ تدابیر و تصمیمات جمعی علیه رژیم سوموزا شدند و جهانیان را به همبستگی بین المللی بسود مردم نیکاراگوئه فراخواندند.

به گزارش خبرگزاری تاس بیش از سی هزار تن از مردم مکزیک بعنوان اعلام همبستگی با مبارزه مردم نیکاراگوئه علیه رژیم خودکامه سوموزا تظاهراتی ترتیب دادند. رهبر یکی از احزاب چپگرای مکزیک در خلال سخنرانی خود اعلام کرد که، کارگران و کشاورزان مکزیک از تصمیم رئیس جمهوری این کشور درباره قطع روابط سیاسی با رژیم استبدادی نیکاراگوئه پشتیبانی می کنند.

بقیه از صفحه ۱

آیا فقط کسانی که ...

ورواج فساد و تباهی است، که در سایه آن جنایتها این خیانت بزرگ را بانجام رسانده است. رژیم سابق برای اعمال سیاست خائنانه خود، عوامل و ابزار در اختیار داشته، که مجریان بلا فصل این سیاست تبهکارانه بوده اند، در این عرصه با ارادت و اخلاص عمل کرده، با انواع خوش رقصیها دست زده و مردم و حقوق آنانرا بسخره گرفته اند.

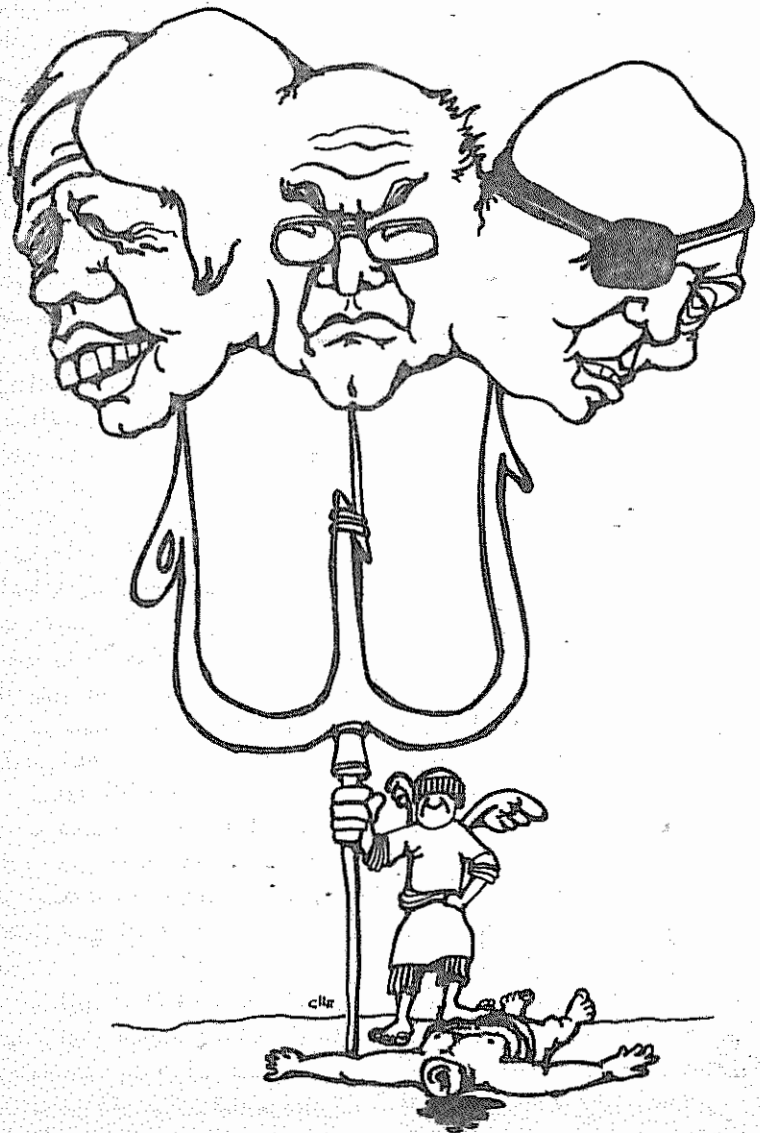
اکنون که انقلاب پیروز شده و دادگاه عدل خلق برپاست، مردم می خواهند که همه این عوامل و ابزار، بر حسب شدت و ضعف جرم خود، مجازات شوند. اما متأسفانه کسانی، حتی در میان مقامات عالی رتبه مسئول، در حقانیت این دادگاهها ابراز تردید میکنند و بی دردی بند بر اعتمادی میافشانند. آقای مهندس بازرگان نخست وزیر از اینهم پسا را فراتر نهاده و اقدام بجا و اصولی دادگاهها را در کیف متجاوزان بحقوق مردم، به «انتقام» تعبیر کرده و هشدار میدهد که «انتقام دیگر بی اثر است، بعد کافی انتقام گرفتیم، مخالفان دادگاههای انقلابی چنین استدلال میکنند که فقط کسانی باید مجازات شوند که مستقیماً دست به شکنجه و آدم کشی زده اند و در مورد بقیه باید عفو عمومی اعلام شود در حالیکه این منایر با گفته امام خمینی است که مجازات تمام مجرمان را بر حسب میزان جرمشان به دادگاهها توصیه کرده است.

قانون انقلاب حکم میکند که ضد انقلاب، در هر کسوتی بشدت سرکوب شود، تا نتواند راه بر رشد و بالندگی انقلاب ببیند. عدالت انقلابی اقتضا دارد که خائنان به همین و منافع خلق کيفر ببینند تا دیگر کسی جرأت نکند چنین آسان مصالح کشور و مردم خود را فدای بیگانه کند: قانون انقلاب، کيفر دادن به مجرمان و خائنان را «عدالت انقلابی» نامی نهد و نه «انتقام». بنا بر این فریاد «انتقام پس است» آقای نخست وزیر با هیچیک از معیارهای انقلاب تطبیق نمیکند. هنوز هزاران نفر از سربازان و خادمان رژیم سابق و امپریالیسم بچنگ عدالت نیفتاده اند، نمایندگان و سنا تورها، وزیران و نخست وزیران سابق در اکثریت مطلق خود فراری اند. مسئولان موسسات دولتی و نظامی و مهمتر از همه هزاران ساواکی که از ارکان اصلی رژیم بوده اند، گم و گورند. بنا بر این چگونه میتوان با اعلام عفو عمومی، این جنایتکاران و خائنین را از چنگال عدالت رها نهد و آنرا بخلط ضرورت، دوران پس از انقلاب نام نهاد؟

در نبرد انقلابی دشواری که میان انقلاب و ضد انقلاب درگیر است روز بروز هم حادث میشود، اگر ضد انقلاب را با همه نیرو و توان خلق فکوییم، این نبرد را باخته ایم. اگر ما آنها را نیزیم، آنها ما را میزنند، همچنانکه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پیش آمد و ۲۵ سال تمام تاوان آنرا پرداختیم.

چنانکه بدفعات یاد آور شده ایم، ما مدعی نیستیم که همه مجرمان رژیم سابق، باید اعدام شوند ولی معتقدیم که هر کس بر حسب جرمش باید مجازات شود و تعیین مجازات در صلاحیت دادگاههای انقلاب است و لا غیر، اما این استدلال که فقط کسانی مجرمند که مستقیماً دست در کشتار و شکنجه مردم داشته اند و بقیه را باید مشمول عفو عمومی کرد، بهیچوجه پذیرفته نیست.

پس از جنگ دوم جهانی، جنایتکاران جنگ، که افکار عمومی جهان آنانرا مجازات کرد، تنها کسانی نبودند که مستقیماً در عرصه نبرد بکشتار پرداخته و یازانان و کودکان و مردان را طعمه کوره های آدم سوزی کرده بودند، بلکه همه آنهائی که جنگ را تبلیغ کرده، برپا ساخته، همه آنهائی که متحرک و مؤسس کوره های آدم سوزی بودند و آئین شکنجه و فشار و قتل را در زندانهای آشوبی، داخو، بوخن و والد و دهها زندان دیگر فاشیستها برقرار ساخته بودند، جزو جنایتکاران جنگ بحساب آمدند و



جرم خیانت هم اعدام است!

مجاکمه و محکوم شدند، ولو آنکه خود درنگ جنبه جنگ را ندیده و یا بدرون زندانها نگذاشته بودند.

اگر عدالت حکم میکند که پاسبان و سربازانی که بروی مردم بیگناه آتش گشوده و آنانرا کشتار کرده، تیرباران شود، همین حکم در مورد آمرین این کشتارها، در هر لباس و مقامی که باشند؛ شاه، نخست وزیر، وزیر، وکیل، فرمانده نظامی، استنادار و فرماندار و مامور ساواک و غیره نیز جاری است. آیا میتوان مهندس ریاضیها، عباس خلعتبریها، کیان پورها و القانیانها را مستحق اعدام ندانست، بدلیل آنکه مستقیماً آدم نکشته اند، اینان، هم با سکوت و هم با عمل خود، در جنایتها و خیانتهای رژیم شریک بوده اند. اینان نقشه های امپریالیسم را در میهن ما پیاده کرده و بر آن صحنه

مسامحه و عدم قاطعیت، خطر مرگ انقلاب و سلطه ضد انقلاب را در بر دارد. کاری نکنیم که باردیگر دشمنان بر میهن ما چیره شوند.

بقیه از صفحه ۱

دعوت عام ...

ما به همه اعضاء، هواداران و دوستان حزب و عناصر مترقی و ضد امپریالیست، که به ندای حزب ما گوش قبول فرا داده و در راه پیمائی روز ۱۵ خرداد ۱۳۵۸ شرکت خواهند ورزید، هشدار میدهم که در مقابل انواع تحریکات ضد انقلاب در پرده و بی پرده، که در آن روز انجام خواهد گرفت، حد اعلاي خونسردی و متانت و بصارت خود را حفظ کنند. طبیعی است که کسانی خواهند کوشید بنام «اسلام» در این تظاهرات شعارها و روشهای اخلاک گرانه خود را وارد کنند. در مقابل این افراد باید با هشیاری و بیداری سیاسی عمل کرد و به مفسده جوئی میدان نداد.

اقدام حزب ما برای شرکت در نمایش یازده خرداد ۱۳۵۸، همراه دیگر نیروهای اسلامی هوادار امام خمینی، یکی دیگر از نمودارهای سیاست خردمندانه این حزب در تقویت وحدت صفوف انقلابیون ایران علیه امپریالیسم و دست نشاندگان آنست.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳ خرداد ۱۳۵۸

در نمایشگاه شهیدان راه آزادی و استقلال ایران

هفته‌ها یکی پس از دیگری می‌گذرد و امروز آخرین روزی است که می‌توان از نمایشگاه شهیدان، واقع در دانشگاه صنعتی، دیدار بعمل آورد. این هفته‌ها نشانی است از آن رابطه عمیق قلبی و عاطفی و عقلی که هزاران بازدیدکننده را با سرداران نبرد ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ما بهم پیوند می‌دهد و صحنه‌های پرشوری از ملاقات‌نسل‌کنونی مبارزان را با آنها که جان در راه آرمان والای خویش نهادند، می‌آفریند.

جوانان پرشور و مبتکر که نقش عمده را در تدارک سازمان این نمایشگاه به عهده داشتند، ضمناً از بازدیدکنندگان ملی روزهای اخیر پرسشهایی را مطرح کرده‌اند که پاسخ مردم به آنها، از زوایا، دانشجو و کارگر، مسلمان و بازاری، سالیخورده و نوجوان، بسیار با اهمیت و آموزنده است.

یکی از پرسشهایی که جوان مامور در نمایشگاه مطرح می‌کرد، این بود: آیا شما با شهدایی که عکسشان در نمایشگاه است، نسبتی دارید؟ عین برخی از پاسخها را نقل می‌کنیم و گمان می‌کنیم که نیاز به هیچ تفسیری نباشد:

— نسبت بخصوصی ندارم، ولی چه فرق می‌کند؟
— با وارطان و شوشتری آشنا بودم.
— نسبت، بمعنای رابطه خانوادگی ندارم، ولی چه از نظر مهربانی و چه از نظر اینکه امیدوارم راه آنها باشد، احساس می‌کنم نسبت بسیار نزدیکی دارم.

— اینها ایرانی‌اند و منم ایرانی، اینها برای ایران شهید شدند و برای خلق ایران و منم یک ایرانی هستم.
— من فکر می‌کنم تمام مردم ایران با اینها نسبت دارند.

سوال دیگر دوست جوان ما، که نتایج مصاحبه‌هایش را برای «مردم» فرستاده، این بود: آیا صحبتی دارید با گروه‌های دیگر و افراد در باره جنبه متحد علیه امپریالیسم؟ پاسخهایی که باین مسئله بسیار حاد و حساس کنونی جامعه ما داده شده، بسی آموزنده است:

— بنظر من باید بدون تمصب و با دیدی منطقی اختلافات را کنار بگذارند و نقطه نظرهای مشترک را بگیرند.
— تنها از طریق مشکل‌شدن در جنبه متحد خلق می‌توان به نتیجه خوب در انقلاب رسید.
— در درجه اول وحدت کلمه داشته باشند. این بتغ خلق است.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان! حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاری‌های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته فروغ‌انگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهایی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند. کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن ۹۴۳۴۵۹، ۹۴۳۴۵۸ - آمارگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را به حساب بانکی زیرین بپردازند: حساب بانکی به نام قتی کمشی و به شماره ۳۳۳۳، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسن قاطمی (ایران نوین سابق).

توطئه امپریالیسم

ایران و حق آنها برای تعیین سرنوشت خویش، امپریالیسم، که در دوران آقائی خود در ایران، توسط رژیم شاه مخلوع، هر گونه حق طلبی خلق‌های ایران را بی‌رحمانه با سم «تجزیه طلبی» سرکوب میکرد، حالا زیر همین نقاب، دست به آشوب و توطئه می‌زند. امپریالیسم با شایسته برای کین و تین و نامردمی کند که ملیت‌های ایران، در ایران انقلابی، از هیچ حقی برخوردار نخواهند بود. خاموشی دولت در این باره، به تمویق افتادن انتشار قانون اساسی جدید هم زمینه را برای گسترش شایعه و دامن زدن به آن آماده می‌کند و باین ترتیب هر چند گاه یکبار در گوشه‌ای از ایران آتش جنگ و برادر کشی افروخته میشود.

وقایع حاد ایران، بعد از پیروزی انقلاب، اغلب از همین سرچشمه آبی‌مخورد، کردستان، گنبد، نقده و اکون خوزستان، به بهانه حق ملیت‌ها، به آتش و خون کشیده شده است. نگاهی به جزئیات ماجرا، که کم‌وبیش از طریق روزنامه‌های خبری به اطلاع مردم رسیده، نشان دهنده این واقعیت است که این بار توطئه در خوزستان انجام گرفته است.

امپریالیسم یانکی، که انقلاب شکوهمند مردم ما مواضع آنرا در ایران در هم شکسته، اکنون با تمام نیرو و در همه جا بویژه در خوزستان سرگرم فعالیت است. از آنجا که نیروهای مسلح خلق که در اکثریت خود زیر پرچم امام خمینی متحد هستند، راه هر کودتایی را بر امپریالیسم بسته‌اند. دشمن در کار ایجاد شکاف بین نیروهای مختلف و رودر رو قراردادن آنهاست. تشدید چنین وضعی،

تضادهای فرعی را جان‌نشین تضاد عمده جامعه، یعنی مبارزه ضد امپریالیستی می‌کند و با پراکنده کردن صفوف متحد مردم، راه را برای نفوذ امپریالیسم باز می‌کند. امپریالیسم در خوزستان هم چنین هدفی دارد، با اضافه اینکه در صورت گسترش اختلاف در این استان وسرایت آن به صفوف کارگران نفت، در کار تولید نفت هم اختلال و در نتیجه اقتصاد ممتک دچار بحران جدی میشود.

واقعیت توطئه امپریالیسم را در خرمن شهر تیسار مدنی استان خوزستان، با اعلام اینکه در این استان عرب و عجم روبروی هم نیستند، این امپریالیسم است که دست به توطئه زده، افشاء کرد و سخنگوی آیت‌الله شیری خاقانی هم گفت: «می‌گویند گروهی اخلاک‌گرا که ساواکی‌اند آشوب می‌کنند، ما هم قبول داریم، چون این یک واقعیت است»، علاوه بر اینها

در حاشیه کمک‌هایی که به حزب می‌شود

تا همه انرژی جوشان و استعداد بزرگ سازماندهی را در خدمت خلق و میهن بکار بندد، و در زمستان ۵۵ او را بقتل رسانند.

حسین پرورش هر جا که رفته و مانده و کار کرده و فعالیت سیاسی نموده بود، از سر باز خانه تا دانشگاه، از دبیرستان تا کارخانه، و همچنین در میان کوهنوردان دانشجویی خانواده‌های دهقان، که او را بهترین و دلسوزترین معلم فرزندان خود میدانستند و مدرسه‌ای را بنامش کرده‌اند و البته در میان همفکران و هم‌زمان صدیق و از جان گذشته‌اش، که هنوز هم وقتی نام او را می‌برند، عقده‌ای در گلو حس می‌کنند و مشت خود را بسختی می‌فشارند، به شدت محبوب بود. این خاطره و یاد را با هیچ چیز نمیتوان برابر نهاد. عده‌ای از دوستان و نزدیکان حسین پرورش، بیاد دوست خود مبلغ پرورشها داده‌اند این عمل نه فقط کمک مهم مالی است بلکه زنده کردن یاد شهید هم است، تحکیم عهد خود با خاطره دوست است و ایمان باین حقیقت هم است، که اگر حسین پرورش امروز هم در میان ما بود، دوستانش را به اجرای این وظیفه نیز دعوت میکرد.

یک رفیق حزبی، قبل از ۲۸ مرداد ۳۲، در منزل خود اطاقی را در اختیار حزب قرار داده بود تا مورد استفاده رفقای نیازمند قرار گیرد. در این اتاق، بعد از ۲۸ مرداد نیز رفقای که زندگی مخفی داشتند، مدتی زندگی کرده بودند. اثاثیه بسیار محقر اتاق، یعنی رختخوابی و زیلوئی و نظایر آن متعلق به حزب بود. پس از مدتی، بعلمت شرایط سخت فاشیستی آن زمان و قطع ارتباطات، این اتاق بلا استفاده ماند. رفیق صاحب خانه، اثاثیه اتاق را بمبلغ یک هزار ریال می‌فروشد... و امروز، ۲۵



پوستر فوق را، رضا اولیاء هنرمند مترقی، به مردم و خوانندگان هدیه کرده است.

شادی مطبوعات امپریالیستی غرب از وقایع خرمشهر و خیرهای سربادروغ آنها هم نقشه‌های امپریالیسم را در خوزستان لو داد. حزب توده ایران، که هم در برنامه‌های سیاسی خود و هم به مناسبت‌های دیگر حق خلق‌های ایران را در تعیین سرنوشت خویش به رسمیت شناخته و این حق را جزء لاینفک ایرانی مستقل و دموکراتیک دانسته است، ضمن تأیید مجدد این حق، توطئه‌های امپریالیسم را زیر این نام محکوم میکند و اعتقاد دارد که با اعلام هر چه زودتر قانون اساسی جدید، که در آن حق خلق‌های ایران و فرهنگی هر چهارچوب مختاری اداری و فرهنگی هر چهارچوب استقلال و وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران برسمیت شناخته شده باشد، و تصویب آن توسط نمایندگان مردم، راه بر توطئه‌های امپریالیستی بسته خواهد شد.

سال بعد از آن، وی این مبلغ را، که ربع قرن نزد خود بامانت نگهداشته بود، می‌آورد و بسندوق حزب تحویل میدهد. بیست و پنج سال تمام، نه فقط «مال» حزب، که بسی محقر و ناچیز بود، بلکه «خود حزب» در نزد این رفیق بامانت بود و او این امانت را نگهداشت، امانت تعلق به حزب را علیرغم همه توطئه‌ها و توهین‌ها و اتهامات، وفاداری و صداقت نسبت براهی که بآن اعتقاد داشت، نزد او بامانت بود، و او این امانت را حفظ کرد. مبلغ پرداختی البته اهمیت خود را دارد، ولی معادل معنوی و معنای سیاسی آنست که تمام ابعاد و اهمیت این عمل و نظایر آنرا نشان میدهد.

- از کمک‌های رفقا و دوستان سیاسی‌گزاریم همراه ۱۰۰۰ ریال
- خداورد ۲۳۰۰ ریال
- فریده گوهری از شیراز ۱۰۰۰۰ ریال
- دوست کارگر از شیراز ۲۰۰۰ ریال
- زندگی از تهران ۵۰۰ ریال
- قائد از شیراز ۱۰۰۰۰ ریال
- مزدک از کازرون ۱۰۲۰۰ ریال
- آرش از شیراز ۲۰۰۰۰ ریال
- دوست ۱۷۶، از شیراز ۲۰۰۰ ریال
- روزبه کوچک از شیراز ۲۰۰۰ ریال
- بچه‌های پدیمان ۶۵۰۰ ریال
- ویک روزبه کوچک دیگر از تهران
- باچند خطی که خود نوشته است ۱۵۰۰ ریال
- روزبه ۱۲ ساله ۱۰۰۰ ریال
- علی‌اصغر مقدم ماهر ۱۰۰۰۰ ریال
- جمعی از رفقا توسط مقدم ماهر ۱۶۵۰ ریال
- وارطان ۲۰۰۰۰ ریال

بمناسبت ۱۵ خرداد که عزای عمومی اعلام شده است روزنامه مردم بجای چهارشنبه روز پنجشنبه منتشر می‌شود